

معماری کوشک

کوشک‌های نه قسمتی در باغ ایرانی

چکیده | کوشک مهم‌ترین عنصر معمارانه در باغ‌های ایرانی و نشان‌دهنده نهایت ذوق و هنر در ترکیب باغ و بناست. معمولاً این بناها را در فضای میانی باغ و در محل تلاقی دو محور طولی و عرضی به گونه‌ای می‌ساختند که از چهار طرف دیده شده و تأثیر ترکیب هندسی چهارباغ ایرانی را دوچندان کند. اگرچه به لحاظ شکل و دسته‌بندی ساختاری، گونه‌های متفاوتی از این فضاها در ترکیب باغ‌های ایران دیده می‌شود. با این وجود، بناهای با تقسیمات نه قسمتی در کوشک باغ‌های ایرانی استفاده‌ای گسترده دارند.

اینکه چرا این گونه از معماری خاص نه قسمتی از دوره هخامنشی تا قاجار در باغ‌های ایرانی از اقبال فراوان برخوردار شدند؟ سؤالی است که این نوشتار به دنبال پاسخ‌گویی به آن است. سوال دیگر این است که در شرایط یکسان و در قلب چهارباغ ایرانی چرا این نقشه بعضاً به صورت کاملاً بسته (چهارصفه) و در پاره‌ای از مواقع ترکیبی از فضاهای بسته و نیمه‌باز به صورت نقشه هشت بهشت و در مواردی اندک همانند عمارت مرکزی قصر قاجار در تهران به شکل کاملاً نیمه‌باز (آلاچیق) اجرا شده است؟

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که وجود چهار نمای همگن که به محورهای چهارباغ باز می‌شود، به قدرت‌بخشی توده معماری بر توده منظر و همچنین یکی شدن و ادغام فضایی آن‌ها کمک شایانی کرده است و اصولاً معماری سلسله‌مراتبی در قلب ساختار چهارباغ، جوابی مناسب‌تر از فضای نه قسمتی نخواهد یافت. همچنین نحوه استفاده اقلیمی - فصلی در کنار عملکرد زیستی - تشریفاتی و بعضاً مراسمی، جهت جواب‌گویی به خواسته‌های حکومت‌ها را می‌توان از دلایل عمده تفاوت ساختاری این کوشک‌ها در قلب چهارباغ ایرانی برشمرد.

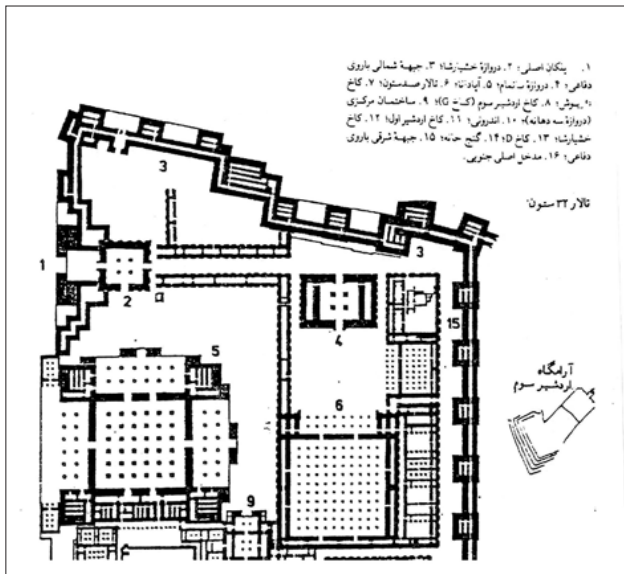
حشمت‌الله متدین
استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا،
دانشگاه تهران.

motedayn@ut.ac.ir

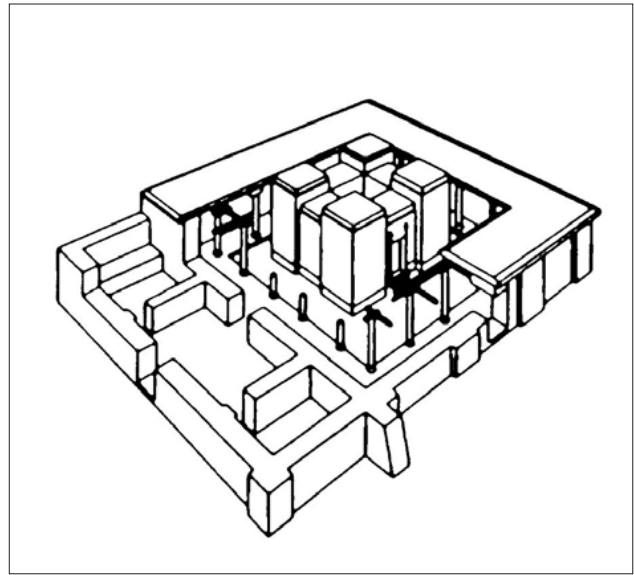
رضا متدین
پژوهشگر دکتری معماری، مدرسه عالی معماری
پاریس - ملکه.

r.motedayen@alumni.ut.ac.ir

واژگان کلیدی | باغ ایرانی، کوشک، چهارصفه، هشت‌بهشت، ابنیه نه قسمتی.



تصویر ۲: پلان‌های نه‌قسمتی درون‌گرا و برون‌گرا در تخت جمشید.
مأخذ: گذار، ۱۳۷۷.



تصویر ۱: معبد اورارتویی، نخستین نمونه استفاده از فضای نه‌بخشی در معماری ایران.
مأخذ: پیوتروسکی، ۱۳۸۱.

ابنیه‌نه‌قسمتی از معابد اورارتویی تا کوشک‌باغ‌های تیموری از دوره هخامنشی تاکنون کوشک‌های نه‌قسمتی به دو صورت عمده درون‌گرا و برون‌گرا زینت‌بخش باغ‌های ایرانی بوده‌اند؛ اما الگوی اولیه ساخت بناهای نه‌قسمتی که بعدها در ساخت این کوشک‌باغ‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، پیشینه‌ای تاریخی‌تر دارد. قدیمی‌ترین نمونه بهره‌گیری از این الگو، گونه‌های درون‌گرا است. در رابطه با روند شکل‌گیری آن می‌توان گفت که معماران به شیوه‌ای بسیار ساده و ابتدایی، با افراشتن چهارستون در مرکز یک مربع، به تقسیم نه‌بخشی دست یافته‌اند. نخستین استفاده از فضای نه‌بخشی، در معماری دوره اورارتو دیده می‌شود. «معبد اورارتویی (تصویر ۱) متعلق به هزار سال قبل از میلاد، ترکیبی نه‌قسمتی دارد که در چهار گوشه، معمار بنا با ایجاد اختلاف حجم، به نوعی چهارستون مکعب شکل را به تصویر کشیده است.» (پیوتروسکی، ۱۳۸۱: ۴۵).

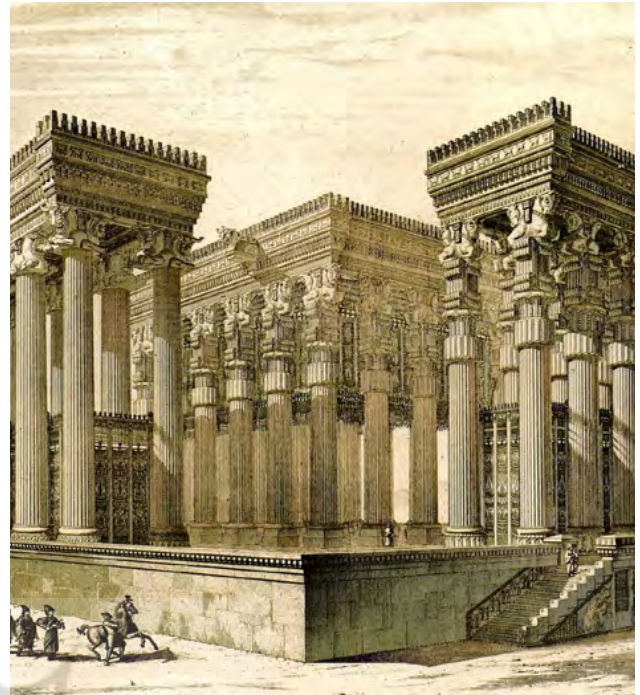
این شکل با برجسته نمودن جهات اصلی، فضا را در ارتباط با مرکز نظم می‌دهد؛ بنابراین کلیت فضا همه‌چیز را در حالت اعتدال و توازن که لازمه ساختار معبد است، هدایت می‌کند. در دوره هخامنشی، در هشتی ورودی دروازه ملل (تصویر ۲) و بیشتر تالارهای کوچک جبهه جنوبی تخت جمشید، از این گونه

مقدمه | استفاده از تقسیمات نه‌قسمتی در کوشک‌های ایرانی سابقه طولانی دارد. سادگی طراحی و اجرای آن باعث شده که ایرانیان در بیشتر نقاط، در ساخت بناهای تشریفاتی و گاه مذهبی، از آن بهره‌مند شوند. این الگو ضمن دارا بودن هندسه مرکزگرا، یکی از بهترین تقسیمات فضایی را در اختیار معماران و طراحان سازه‌های بزرگ قرار می‌دهد. در خصوص چرایی استفاده از نقشه‌های مربع و بالأخص پلان‌های نه‌قسمتی، نظرات فراوانی وجود دارد. لیکن جمع‌بندی کلی این تحقیقات و رسیدن به یک نظریه واحد در خصوص این دلایل صورت نگرفته است. همچنین علل تفاوت این ابنیه نه‌قسمتی که در شرایطی یکسان عملکردهای متفاوت و در نتیجه ساختاری نسبتاً متفاوت داشته‌اند مورد بررسی قرار نگرفته است.

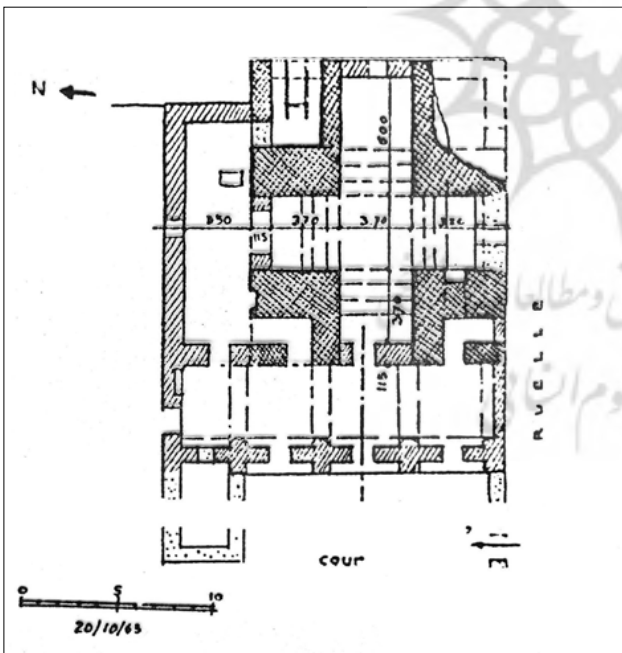
در این گفتار پس از بررسی اجمالی سیر تحول ابنیه نه‌قسمتی، ابتدا به ارائه نمونه‌های موجود در معماری و باغ‌سازی ایران پرداخته می‌شود تا پهنه وسیع استفاده از این نقشه در گونه‌های مختلف کوشک به شکلی مشخص‌تر نمایان گردد. سپس با بررسی ساختار، زمان اجرا، کارکرد و دیگر خصوصیات، چرایی استفاده از این نقشه‌های نه‌قسمتی در باغ‌های ایرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



تصویر ۴: قلعه دختر فیروزآباد.
مأخذ: گذار، ۱۳۷۷.



تصویر ۳: کاخ آپادانا در تخت جمشید، نمونه‌ای از ابنیه نه‌قسمتی برون‌گرا.
مأخذ: <http://tarikhema.net/subject/shrine-palace/apadana-palace/6949/>



تصویر ۵: آتشکده ونداده در میمه اصفهان.
مأخذ: جودکی، ۱۳۹۳.

دوباره این الگو در کاخ‌های صفوی و از جمله، کوشک مشهور چهلستون و عالی‌قاپو با شکل و مصالح تازه، هستیم. پس از هخامنشیان، با اینکه «هوف» در مقاله خود، عمارت تخت‌نشین در مرکز شهر اردشیرخوره را به صورت نه‌بخشی

مربع نه‌قسمتی استفاده شده است.

در دوره هخامنشی، گونه برون‌گرای کوشک‌های نه‌قسمتی را به‌عنوان الگوی پسندیده در طراحی و ساخت کاخ‌ها و بناهای تشریفاتی شوش و تخت جمشید، در دستور کار قرار می‌گیرد (تصویر ۳). «ابنیه نه‌قسمتی برون‌گرا به «آپادانه» یا «آپادانا» شهرت دارند» (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۷۰).

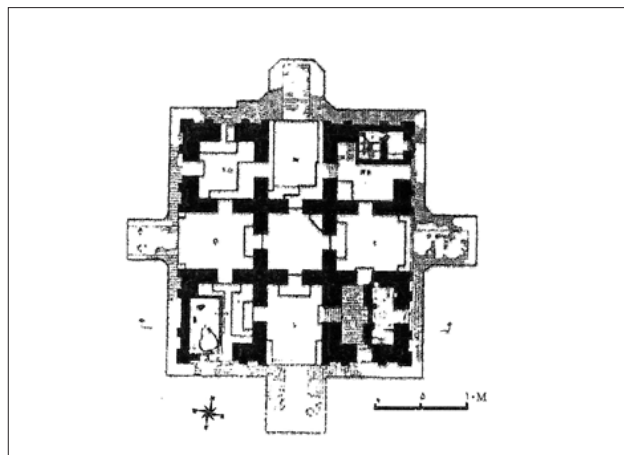
این کاخ‌ها بزرگ‌ترین فضاهای نه‌بخشی برون‌گرای ایرانی هستند. ابتدا مربع نه‌بخشی طراحی شده (با تقسیم یک مربع به نه مربع برابر)، سپس اندازه مربع میانی، بزرگ‌تر از دیگر بخش‌ها در نظر گرفته می‌شود و به‌عنوان تالار بارعام در کنار کالبد بزرگ کاخ و نمای عظیم آن، به‌خوبی ابعاد تبلیغاتی کاخ و امپراتوری را به همگان اعلام می‌نماید.

آپادانای داریوش در تخت‌جمشید و شوش، از نمونه‌های مهم این بناهای برون‌گرای نه‌قسمتی با پایه مربع به شمار می‌روند و بنای هخامنشی «دهانه غلامان» در سیستان، از الگوهای کوچک ابنیه نه‌قسمتی درون‌گرا می‌باشند.

شهرت مهم آپادانا داریوش، به ایوان‌های ستون‌دار عظیمی است که از چهار طرف، تالار مرکزی را احاطه کرده‌اند. این الگو یعنی «ستاوند»^۱، از پارادایم‌های پایدار در معماری ایران است. در دوره‌های بعد به‌ویژه در دوره صفوی شاهد تولد



تصویر ۷: کوشک باغ دلگشا در شیراز، نمونه‌ای از بناهای نه‌قسمتی با پلان صلیبی.
 مأخذ: <http://www.panoramio.com/photo/35568449>.



تصویر ۶: پلان کوشک مرکزی مجموعه لشکری بازار.
 مأخذ: هیلن براند، ۱۳۸۸.

بوده‌اند که نقشه و پی و شالوده آن به شکل خاج (صلیب) بود. در درون آن اتاقی بود که سه شاه‌نشین به شکلی نیم‌دایره داشت که کف آن‌ها اندکی از زمین بلندتر و دیوارها و کف آن‌ها از کاشی رنگارنگ پوشیده شده بود» (کلاویخو، ۱۹۲۸: ۲۳۰). از نمونه کوشک‌های نه‌قسمتی با پلان صلیبی می‌توان به کوشک باغ دلگشای شیراز اشاره کرد (تصویر ۷) که ساخت آن را به دوره قاجار نسبت می‌دهند اما با توجه به پیشینه بیشتر باغ دلگشا امکان الگوبرداری آن از دوره‌های پیش وجود دارد. به این ترتیب این گونه ابنیه با تقسیمات نه‌قسمتی در کوشک باغ‌های تیموری حضور قابل توجه داشته‌اند.

کوشک‌های چهارصفه و هشت بهشت در باغ‌های صفوی و قاجار

از رایج‌ترین نمونه‌های الگو ابنیه نه‌قسمتی برون‌گرا در دوره صفوی و قاجار که به‌ویژه در کوشک باغ‌های این دوران به صورت وسیعی مورد استفاده قرار گرفت، الگویی است که به الگوی هشت‌بهشت شهرت یافته است.^۲

بانی مسعود از قول جهانگردی ونیزی، از باغی که در زمان سلطنت «اوزون حسن»، بنیان‌گذار دودمان «آق قویونلو» در تبریز ساخته شده و باغ «صاحب» نامیده می‌شود، برای نخستین بار این نقشه را هشت‌بهشت می‌نامد: «نباید از ذکر کاخ زیبایی که سلطان حسن بیک بزرگ ساخته بود غفلت کنند... کاخ را در مرکز باغ ساخته‌اند... این کاخ را به زبان فارسی هشت‌بهشت خوانند که به زبان ما به معنی هشت بخش است زیرا به هشت اتاق قسمت شده است.» (بانی مسعود، ۱۳۸۴: ۵).

برون‌گرا بازسازی کرده است (هوف، ۱۳۶۶: ۷۷)، اما در دوره ساسانی، شواهد باستان‌شناسی، تنها وجود ابنیه نه‌قسمتی برون‌گرا را تأیید می‌نماید. در گنبد حاشیه کاخ سروستان، تالار ستون‌دار چهارستونی با گنبد مرکزی و سپس در قلعه دختر فارس (تصویر ۴)، شاهد ظهور پلان چهار صفه محاط در دایره و همچنین در آتشکده ونداده میمه اصفهان (تصویر ۵)، شاهد نقشه کامل چهار صفه در این عهد هستیم.

در قرون اولیه دوره اسلامی، تداوم ساختار چهار صفه در کوشک‌های بنی‌امیه، بنی‌عباس و همچنین در کاخ «لشکری بازار» سلطان محمود غزنوی دیده می‌شود. در این نمونه‌ها مدخل ورودی از طریق ایوان است.

از نمونه‌های ظهور این الگو در کوشک‌های میان باغ می‌توان به باغ «لشکری بازار» اشاره کرد. به گفته «هیلن براند» کوشک مرکزی (پاویون) باغ لشکری بازار نخستین بنای نه‌قسمتی برون‌گرا با گنبد میانی به شمار می‌رود (هیلن براند، ۲۰۰۴: ۶۷۱) (تصویر ۶). جودکی عزیزی در مقاله خود در خصوص باغ «رحیم‌آباد» بم، آن را متعلق به دوره صفاریان و مقدم بر کوشک مرکزی باغ لشکری بازار می‌داند (جودکی، ۱۳۹۳: ۶۷).

در دوران تیموری و صفوی، شاهد رشد و بلوغ این پلان ارزش‌مند در قلب باغ‌های سلطنتی هستیم. «دونالد ویلبر» و «کلاویخو» در باغ‌های دوره تیموری از ساختار کوشک‌های صلیبی سخن می‌گویند: «در باغ چنار و باغ نو از قصرهای بزرگی سخن می‌گویند که طرحی چلیپایی داشته است» (ویلبر، ۱۹۶۲: ۲۴۱).

کلاویخو می‌نویسد: «در میان باغ نو کاخی زیبا ساخته

هشت‌بهشت با پلان‌های هشت‌ضلعی است (تصاویر ۸ و ۹). در کوشک باغ‌های صفوی همچنین شاهد دو گونه تقسیم‌بندی فضایی در ابنیه هشت‌بهشت هستیم. در گونه نخست، پلان نه‌قسمتی در پلان همکف در طبقه بالا نیز تکرار می‌شود که کوشک چهلستون قزوین بدین گونه طراحی شده است (تصویر ۱۰). الگوی دوم، کاخ هشت‌بهشت اصفهان است که پلان‌های نه‌قسمتی طبقه اول و دوم به علت وجود ایوان‌ها و

طرح کوشک در باغ گسترده ایرانی عموماً براساس طرح چهارصفه با نقشه مربع، هشت‌ضلعی و نیز طرح‌های هشت‌بهشت و در موارد اندکی به صورت مدور است. اغلب این گونه کوشک‌ها در چهار جبهه اصلی از خصوصیت کالبدی یکسانی برخوردار هستند. در پاره‌ای از موارد، جبهه‌های که از لحاظ نحوه جهت‌گیری اقلیمی، دید و منظر، موقعیت و برخی دیگر از ویژگی‌های کالبدی امتیاز بیشتری داشت، به عنوان جبهه اصلی بنا انتخاب می‌شد. ایوان اصلی عمارت هشت‌بهشت اصفهان بدین گونه به سمت شمال و کوشک چهلستون باز می‌شود.



تصویر ۸: کوشک باغ نظر، شیراز. نمونه پلان هشت‌بهشت در باغ‌های دوره زندیه. مأخذ: <http://www.panoramio.com>.

الگوی معماری هشت‌بهشت شبیه چهارصفه است که به صورت پلان مربع یا هشت‌ضلعی با ایوان‌های پیرامونی به صورت برون‌گرا ساخته می‌شود. در این الگو، پلان با دو محور عمود بر هم، در ساده‌ترین شکل آن نقشه نه‌قسمتی را به وجود می‌آورد. هر ضلع مربع میانی به ایوان‌ها ختم می‌شوند و چهار مربع کنج‌ها، اتاق‌ها را در برمی‌گیرند. مربع مرکزی به عنوان قلب بنا به محل قرارگیری گنبد خانه اختصاص دارد. «مربع مرکزی در زمان صفویه، با تغییرات انجام گرفته به پلان هشت و نیم هشت تبدیل و بزرگ‌تر می‌شود. عرض ایوان‌ها بدین صورت بزرگ‌تر از اتاق‌ها اجرا می‌گردد» (بانی مسعود، ۱۳۸۴: ۷). کوشک باغ‌های «نظر» و «جهان‌نما» از نمونه‌های کلاسیک این بناهای



تصویر ۹: کوشک باغ جهان‌نما، نمونه پلان هشت‌بهشت در کوشک باغ‌های دوره زندیه. مأخذ: <http://wisgoon.com/pin/5734383>.

مناسب برای بهره‌گیری از دید و منظر به شمار می‌رود. «آندره گدار» ضمن بررسی کاخ‌های تچر و آپادانا، برون‌گرا بودن آن‌ها را جهت تسلط و دید به سمت دشت وسیع پایین می‌داند. او می‌نویسد: «ابنیه صفه تخت جمشید، مرکب از سه دسته

گنبد خانه مرکزی رفیع، با یکدیگر متفاوت هستند^۳. در این بنا، چلیپای مرکزی به اندازه دو طبقه ارتفاع دارد ولی چهار فضای جانبی در دو طبقه تقسیم شده‌اند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱: پیوستگی باغ و کوشک در هشت بهشت، اصفهان.
مأخذ: <http://myourland.com/places/view/44/-41>.

چرایی استفاده از نقشه نه‌قسمتی در باغ‌های ایرانی در نخستین گام شکل‌گیری بناهای نه‌قسمتی، مربع نه‌بخشی اورارتو-هخامنشی با سقف صاف و چهار ستون میانی، به دنبال ایجاد هندسه‌ای مرکزگرا و قدرت بخشی به نظام تعادلی فضای ایرانی بود. این هندسه در کلیه فضاهای چهاربخشی این خطه همچون چهارباغ، چهارطاقی و چهار ایوان دیده می‌شود. گونه برون‌گرای مربع نه‌بخشی، الگویی پسندیده در طراحی و ساخت کوشک‌ها و بناهای تشریفاتی است. در این گونه، طرح از تقسیمات نه‌گانه اولیه گام فراتر می‌نهد. ابعاد تبلیغاتی، تقسیمات فضایی، برقراری نظام سلسله مراتبی جهت رسیدن فضای بزرگ بار عام مرکزی و برآوردن جنبه‌های نیارشی، مهم‌ترین دلایل این موضوع است. در مورد کوشک‌های قرار گرفته در باغ یا مسلط بر مناظر این سلسله‌مراتب برون‌گرایی بستری



تصویر ۱۰: کوشک چهلستون قزوین، در میان باغ سعادت‌آباد، از نمونه هشت‌بهشت با پلان متفاوت در دو طبقه.
مأخذ: <http://www.behrah.com/photo-show.php?pid=24309652&uid=773014>.

باشد، در نتیجه این پوشش در پاکار خود، نیروی رانشی عظیمی را به وجود می‌آورد. وجود پوشش‌های کوچک‌تر جوانب این فضا، به‌مثابه پشت‌بند عمل می‌کنند.

پیوستگی فضایی کوشک نه‌قسمتی و باغ در دوره‌های متأخر، فضاهای نه‌بخشی به دو صورت ساخته می‌شوند. گروه اول کالبدی منفرد داشته و گروه دوم، خود بخشی از بدنه یک اثر معماری به شمار می‌روند.

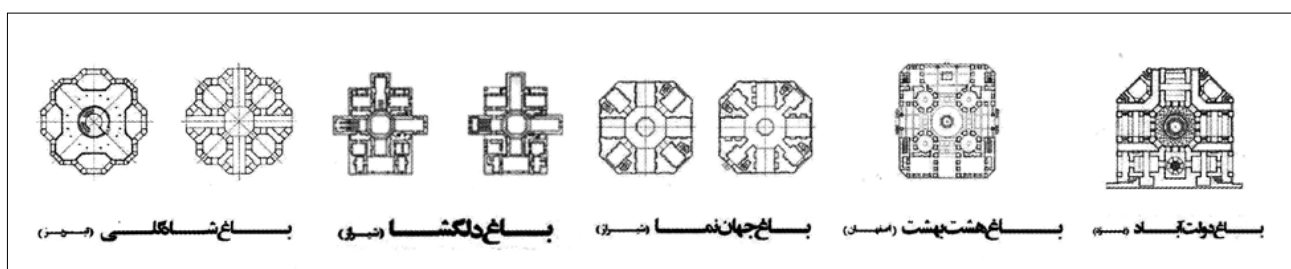
در نمونه نخست که در باغ‌ها بیشتر شاهد آن هستیم، چهار نمای همگن که به محورهای اصلی باغ‌های چهاربخشی باز می‌شوند، جذابیت خاصی به بنا می‌بخشند؛ بنابراین نیاز ایجاد چنین کوشک‌هایی در مرکز باغ، احساس می‌شود. در این باغ‌ها، کوشک، باغ را به چهار بخش تقسیم می‌کند. باغ‌هایی همچون جهان‌نما، دل‌گشا، شاه‌گلی و بلبل در این دسته جای دارند (تصویر ۱۲). کوشک با یک یا دو اشکوب، گشودگی کاملی نسبت به باغ ایجاد می‌نماید. ارتباط بنا با محوطه از طریق ایوان، تالار و یا صفا ایجاد می‌شود. مرکزی بودن پلان توده معماری، منفرد بودن آن و وضوح هندسه باغ، سبب می‌شود تا عامل زمان در تجربه ناظر تأثیری نداشته باشد. به بیانی دیگر، ناظر، کلیت کوشک و بخش اساسی باغ را درک کرده و گذشت زمان و حرکت او به سمت کوشک، تنها به درک جزئیات بیشتر نما منجر می‌شود.

به این ترتیب، از مهم‌ترین علل استفاده از کوشک‌های نه‌بخشی که چهار نمای همگن رو به باغ را پدید می‌آورند، تلفیق بنا با باغ است. این موضوع در کوشک‌های کشیده دارای دو نما، مانند کوشک باغ ارم شیراز کمتر احساس می‌گردد. تداخل و آمیختگی باغ و بنا از مشخصات کوشک‌های نه‌قسمتی است. «کوشک درون باغ، خود باغی کوچک است. این رابطه و آمیختگی، به‌وسیله پیوند ارتباط‌های فضایی و ارتباط عناصر تشکیل‌دهنده

مشخص می‌باشند: بخش سپاهیان (همجوار کوه)، خزائن در بخش جنوبی و قسمت سوم، زندگی شاه (کاخ تچر) و پذیرایی (آپادانا) که در بخش غربی و مسلط بر دشت مرغاب طراحی شده‌اند.» (گدار، ۱۳۷۷: ۱۴۲).

بنابراین علل برون‌گرایی این الگو، در کاخ‌های آپادانا و نمونه‌های مشابه آن در دوره هخامنشی پیوند معماری با منظر پیرامونی بوده است. اینکه چرا پروژه‌های بزرگ نه‌بخشی، همسان با نمونه‌های هخامنشی، بعد از آن دوره هرگز تکرار نشد، سؤالی است که پاسخ‌گویی به آن دشوار است؛ اما می‌توان کوچک‌شدن امپراتوری پس از حمله اسکندر و عدم نیاز به سالن‌های بارعام در مقیاس سران ساتراپ‌ها را یکی از علل تضعیف سالن مرکزی فضاهای نه‌قسمتی و به دنبال آن، فضاهای پیرامونی ذکر نمود. در عصر ساسانی چنین فضاهایی همچون «قلعه دختر» فارس در اندازه بارعام محدود دربار پادشاه ساخته می‌شود.

مزیت‌های نیارشی بناهای نه‌قسمتی در این دوره همچنین نیارش طرح دغدغه‌ای مهم است. «پوشش سخ‌در دهانه با اندازه محدود میسر است و آرایش نه‌فضای پوشش‌دار در درون یک مربع، به مراتب نیازمند اندیشه‌های نیارشی بیشتری است. این مسئله چندان در دوره هخامنشی دغدغه نبوده، فراهم بودن تیرهای چوبی بلند و گاه استفاده از چند عدد آن در طول هم به ابعاد بزرگ بخش‌های نه‌گانه با حداقل رانش، کمک کرده است.» (جودکی، ۱۳۹۳: ۸۴). در دوره ساسانی و پس از آن، به دلیل نیروهای فشاری تولیدشده توسط گنبد خانه اصلی، حجم‌های هشت‌بخش اطراف، به‌صورت پشت‌بند عمل نموده و باعث پایداری بنا می‌شوند.^۵ در نمونه‌های کامل‌تر دوران اسلامی، معمولاً فضای مرکزی در پلان‌ها از بقیه بخش‌ها بزرگ‌تر است که این خود ایجاب می‌کند که پوشش استفاده‌شده این فضا بزرگ‌تر از سایر فضاهای جانبی



تصویر ۱۲: نقشه‌های نه‌قسمتی کوشک باغ‌های دوران اسلامی ایران
مأخذ: خوانساری، ۱۳۸۳.

دلایل مهم استفاده از ابنیه نه‌قسمتی و بخصوص نوع برون‌گرای آن در باغ‌های ایرانی، استفاده حداکثری از پیوستگی فضایی میان کوشک و باغ پیرامون است.

قطع نمی‌کند و کوشک را جزئی تفکیک ناشدنی از کلیت باغ تصویر می‌کند. از سوی دیگر مرکزی بودن پلان توده معماری، منفرد بودن آن و وضوح هندسه باغ، سبب جذابیتی نامحدود به گذر زمان و حرکت ناظر می‌شود. ایستایی بنا و دلایل نیارشی نیز در شکل‌گیری اولیه این الگوها بی‌تأثیر نبوده و با تغییرات عملکردی از دوره هخامنشی با تیرهای افقی بلند تا دوره ساسانی و صفوی که با فضاهای مرکزی گنبدی بزرگ از پوشش‌های کوچک اطراف به‌مثابه پشت‌بند استفاده می‌کردند، گونه‌های مختلف ساختاری این بناها را می‌توان مشاهده کرد و در نهایت می‌توان گفت که جذابیت حداکثری بنا، پیوستگی فضا، انسجام مجموعه با سلسله‌مراتب و توالی فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته، تنها در کوشک‌های نه‌قسمتی برون‌گرا مقدور است.

باغ صورت می‌پذیرد.» (شاهچراغی، ۱۳۹۲: ۸۵). بدین گونه، در کوشک‌های نه‌قسمتی که در مرکز باغ قرار می‌گیرند، فضای باغ از هر سو به داخل بنا راه می‌یابد (تصویر ۱۲). به‌این ترتیب از

نتیجه‌گیری | با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مورد چرایی شکل‌گیری کوشک‌ها به‌صورت ابنیه نه‌قسمتی، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که الگوی اولیه مربع نه‌بخشی، با برجسته نمودن جهات اصلی، فضا را در ارتباط با مرکز نظم می‌دهد. این الگو ضمن تقویت ابعاد مذهبی، اعتدال و توازن هر چه بیشتر فضاهای مقدس را تحکیم می‌بخشد. تالارهای آپادانا از سویی به کمک ستون‌های عظیم به نظام سلسله‌مراتبی دربار مقتدر هخامنشی و از سوی دیگر به نظرگاه‌های مسلط بر منظر پیرامونی مزین می‌شوند تا نقشه نه‌قسمتی برون‌گرا پدید آید. این‌که چرا بهترین الگوی نه‌قسمتی در قلب باغ‌های دوران اسلامی تداوم این نقشه برون‌گرای هخامنشی است را باید در تلفیق نظام سلسله‌مراتبی توده معماری با توده منظر، در نقشه هشت‌بهشت ایرانی جستجو نمود. پیوستگی فضایی دید ناظر را از هیچ طرف

پی‌نوشت

- ۱- ستاوند: چه‌لستون‌هایی که در سه طرف دیوار ندارند.
- ۲- این الگو نقشه که در مقابر هند گورکانی از جمله تاج‌محل نیز دیده می‌شود، تداوم سنت نقشه‌های نه‌قسمتی ایرانی است که توسط نوادگان تیمور در این منطقه رایج شده است.
- ۳- شاهچراغی می‌نویسد: «سطح کوشک و ایوان‌ها در این باغ، بلندتر از سطح زمین ساخته‌شده تا به نحو مناسبی از چشم‌انداز بیرونی استفاده نماید.»

فهرست منابع

- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۴). باغ صاحب‌آباد تبریز، مجله باغ‌نظر، ۱ (۴): ۱۲-۳.
- پیوترووسکی، بوریس. (۱۳۸۱). اورارتو، ترجمه رشید برناک. تهران: اندیشه ن
- جودکی عزیز، اسدالله. (۱۳۹۳). کوشک رحیم‌آباد بم، مجله باغ‌نظر، ۱۱ (۳۰): ۶۷-۸۸.
- خوانساری، مهدی. مقتدر، محمدرضا و یآوری، مینوش. (۱۳۸۳). باغ ایرانی، بازتابی از بهشت. ترجمه مهندسین مشاور آران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۸). پارادایم‌های پردیس. تهران: جهاد دانشگاهی.
- کلاویچو، گنزالس. (۱۳۶۶). سفرنامه کلاویچو. ترجمه مسعود رجینیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گذار، آندره. (۱۳۷۷). هنر ایران. ترجمه بهروز حبیبی. تهران: دانشگاه شهید
- بهشتی.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۴۶). هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی. ترجمه عیسی بهنام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۷۴). باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ترجمه مهین دخت صبا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هوف، دیتریش. (۱۳۶۶). فیروزآباد. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۸). معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران.